



بخش دوم

بررسی درس‌ها

پس از آشنایی با ارکان برنامه در فصل اول، در بخش دوم به بررسی درس به درس می‌پردازیم که بی‌تردید برای کلاس نگارش بسیار کاربردی است. قبل از آن، بودجه‌بندی پیشنهادی تدریس یک درس این کتاب را ارائه می‌دهیم. ساعت اختصاص یافته به این کتاب ۱ ساعت در هفته است؛ بنابراین تدریس هر درس در ۴ جلسه انجام می‌شود. هر جلسه ۴۵ دقیقه (تک زنگ) می‌باشد:

■ جلسه اول: آموزش متن درس (مرحله پیش از نوشتن و شروع مرحله نوشتن)
دانش‌آموزان در منزل پیش‌نویس را تکمیل می‌کنند و مرحله پس از نوشتن را نیز طی می‌کنند و نوشته آنها کامل می‌گردد.

■ جلسه دوم: خوانش متن‌های تولیدی و تحلیل متن

■ جلسه سوم: کارگاه نوشتن

■ جلسه چهارم: سازه‌های نوشتار (مثل نویسی، شعر گردانی، حکایت نگاری)

عناصری که در بررسی درس‌ها ارائه شده است عبارت‌اند از:

■ سخنان پیشانی فصل

■ نمایه درس

■ اهداف

■ روش تدریس پیشنهادی

■ جستاری در متن

■ درنگی در قلمرو فعالیت‌ها

■ آگاهی‌های فرامتنی

■ حکایت نگاری، مثل نویسی، شعر گردانی

درس اول

اجزای نوشته: ساختار و محتوا

اصل این کار، یافت است نه دریافت.
(رسائل، خواجه عبدالله انصاری)

نمایه درس اول

عنوان : اجزای نوشته : ساختار و محتوا

محتوا : درس اول به بازآموزی اجزای نوشته و مراحل نوشتن می‌پردازد.

مثال نویسی

گسترش مثل :
در این بخش پنج مثل
پیش‌بینی شده است که
یکی از آنها به دلخواه
انتخاب می‌شود و گسترش
می‌یابد.

کارگاه نوشتن

- ۱ تشخیص طرح اولیه نوشته
- ۲ انتخاب موضوع و تولید متن با رعایت مراحل نوشتن
- ۳ ارزشیابی و نقد نوشته‌ها بر اساس سنجش‌های مشخص شده

متن و تصویر

متن درس، طراحی ساختار بیرونی و ساختار درونی نوشته را آموزش می‌دهد. ساختار بیرونی شامل انتخاب قالب و طرح نوشته است که قبل از نوشتن انتخاب می‌شود و ساختار درونی همان تولید محتواست.

اهداف درس اوّل :

- آشنایی با اجزای نوشته
- ایجاد توانایی طراحی ساختار درونی
- تقویت مهارت چینش و سازمان‌دهی بندهای یک نوشته
- بازآموزی و یادآوری روش‌های پرورش متن : بارش فکری، مقایسه و ...
- بازآموزی مراحل نوشتن
- کسب مهارت در نوشتن با بهره‌گیری از بازآفرینی مثل‌ها
- تقویت و توانایی تحلیل و بررسی متن

روش تدریس پیشنهادی

نقشه مفهومی

منظور از نقشه مفهومی، رسم شبکه‌ای از روابط، میان عناصر متن است. ویژگی بارز این روش، آن است که از سویی دبیر نسبت به مفاهیم و طرح ذهنی دانش‌آموز آگاهی حاصل می‌کند و از سوی دیگر دانش‌آموز را در شرح ذهنیات و اندیشه‌های خود، به شیوه‌ای منسجم و روشمند، یاری می‌نماید.

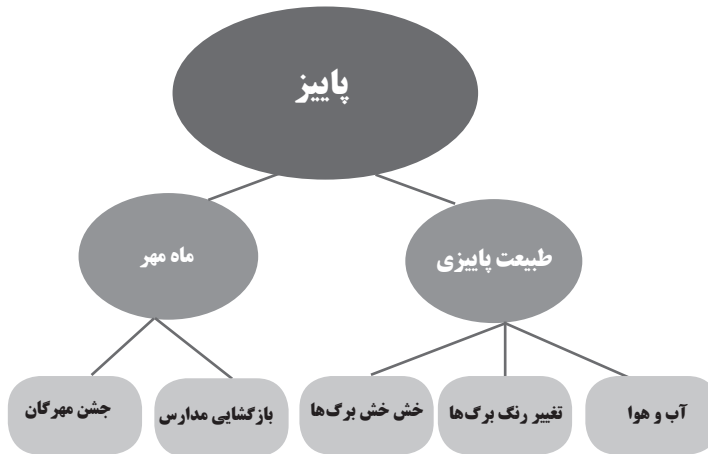
گام‌های روش تدریس نقشه مفهومی

- ۱ تعیین موضوع
- ۲ مشخص کردن خرده‌موضوع‌ها و ذکر نمونه و مصداقی برای هر خرده موضوع
- ۳ رسم نقشه مفهومی
- ۴ تولید متن
- ۵ بازخوانی و ویرایش

یادآوری : گام‌های اوّل، دوم و سوم روش شبکه مفهومی، مربوط به مرحله پیش از نوشتن است. در گام چهارم مرحله نوشتن اتفاق می‌افتد و گام پنجم مرحله پس از نوشتن است.

روش اجرا

- موضوعی مطرح می‌شود که بتوان آن را به خرده‌موضوع تقسیم کرد. دانش‌آموزان در گروه‌های مشخص شده، با استفاده از روش‌های پرورش متن (بارش فکری، خوشه‌سازی و...)، خرده‌موضوع‌های مرتبط با موضوع اصلی را تعیین و برای هر یک، مصداق‌هایی را ذکر می‌کنند.
- گروه‌های دانش‌آموزی درباره‌ی طرح اولیه‌ی نقشه‌ی مفهومی، همفکری کرده و مفاهیم اصلی و فرعی موضوع را تعیین می‌کنند و در نهایت آن را در نموداری به نمایش می‌گذارند.
- دانش‌آموزان هر گروه با توجه به نقشه‌ی مفهومی، طرح نوشته را تعیین می‌کنند.
- هر یک از اعضای گروه، متناسب با طرح نوشته، خرده‌موضوعی را برگزیده، یک بند درباره‌ی آن می‌نویسد.
- اعضای گروه، بندهای تولید شده را مطابق با ترتیب بندهای بدنه در طرح نوشته ترکیب می‌کنند (منظور از ترکیب، ایجاد انسجام و ارتباط منطقی بین بندهاست).
- بند مقدمه و جمع‌بندی، به کمک اعضای گروه نوشته می‌شود.
- اعضای گروه، متن را بازخوانی و ویرایش می‌کنند.



متن تولیدی با موضوع «پاییز» بر اساس نقشه مفهومی

پاییز

بند مقدمه :

پاییز، فصل رنگ‌هاست. فصل مهر و مهریانی، فصل باد و باران و دیدار دوباره باران، فصل روزهای کوتاه دیدار و شب‌های بلند انتظار.

بندهای بدنه :

پاییز هزاررنگ و زیبا از راه می‌رسد. آسمان پوستین ابری چندلایه‌اش را بر تن می‌کند و زمین شادمانه، تن به نوازش باد و باران می‌سپارد و از خشاخش موسیقی دلنواز برگ‌های زردی که درختان سخاوتمندانه تبارش کرده‌اند، سرمست می‌شود.

هوا گرما را پشت سر نهاده و اگرچه خنکای دلپذیرش رو به سردی می‌رود، اما دل‌ها به دیدار دوستان نویافته گرم است. زنگ‌ها سرود مهر را می‌سرایند و شور درس و نشاط مدرسه، فضا را دلچسب می‌کند و از این همه دلاویزتر، نخستین کلاس که با فارسی آغاز می‌شود و دبیر خوش‌کلامی که در همین حال و هوا، با سروده «منوچهری» به استقبال درس می‌رود که «خیزید و خز آرید که هنگام خزان است» و از مهرگان می‌گوید که پس از نوروز، جشن بزرگ ایرانیان باستان، بوده است.

بند جمع‌بندی :

آری پاییز که با «مهر» آغاز می‌گردد، با لطف، امتداد می‌یابد و با عشق، رو به پایان می‌نهد؛ چرا که: «پاییز بهاریست که عاشق شده است».

جستاری در متن

ساختار درونی نوشته با طراحی و چینش بندها به شرح زیر شکل می‌گیرد :

بدنه نوشته : بخش محوری متن است و نویسنده پیام و مفهوم اصلی خود را در آن مطرح می‌کند.

بند مقدمه : زمینه‌ساز موضوعاتی است که در بدنه به آن پرداخته می‌شود. نویسنده در بند مقدمه، ذهن خواننده یا شنونده را به سرعت به هدف و موضوع نوشته رهنمون می‌سازد. بند مقدمه را می‌توان پس از پایان نگارش بندهای بدنه نوشت؛ زیرا در پایان فرایند تولید متن، برای نویسنده روشن می‌شود که می‌خواهد ذهن خواننده را به چه سمت و سویی هدایت کند و یا بر کدام جنبه متن تأکید نماید.

بند جمع‌بندی : نقطه فرود نوشته است که با جمع‌بندی و پایانی تأثیرگذار ذهن خواننده را با موضوع

درگیر می‌کند.

کارگاه نوشتن

از میان پرسش‌های کارگاه نوشتن به سؤال سوم می‌پردازیم. این پرسش در همهٔ درس‌ها با هدف نقد و تحلیل نوشته‌های دانش‌آموزان ارائه شده است و بهترین شیوهٔ تدریس آن، روش قضاوت عملکرد است. چنان‌که از نام روش برمی‌آید در این شیوه، یادگیری از طریق قضاوت دربارهٔ نوشته دیگران صورت می‌گیرد.

مبنای داوری، سنجه‌های ذکر شده در جدول پایان درس است. این تمرین، در حقیقت فرصتی برای آشنایی عملی دانش‌آموزان با نقد و نقدنویسی است. البته با توجه به اینکه سنجه‌های نقد در هر درس به روشنی تدوین شده است، انتظار می‌رود هر نوع نقد و نظری با ارائهٔ دلیل و مبتنی بر یکی از سنجه‌ها باشد و از کلی‌گویی‌های بدون معیار پرهیز شود.

در اجرای این روش، فهرستی از معیارهای ارائه شده در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌گیرد تا نوشته‌ها را بخوانند و بر اساس سنجه‌های مورد نظر، تحلیل می‌کنند. به این ترتیب دانش‌آموزان با درک روشنی از معیارها، می‌توانند دربارهٔ کیفیت نوشته‌ها قضاوت کنند. این کار علاوه بر تثبیت یادگیری، موجب پرورش تفکر انتقادی نیز می‌شود.

آگاهی‌های فرامتنی

مثل‌نویسی

مراد از مثل‌نویسی، بازآفرینی ضرب‌المثل‌هاست. دانش‌آموز می‌تواند در بازآفرینی مثل، با فضاسازی، زمان و مکان را به دلخواه خود تعیین کند و با خلق شخصیت‌ها و گفت‌وگو میان آنها نوشتهٔ خود را گسترش دهد به گونه‌ای که نشانه‌ها و رگه‌هایی از ضرب‌المثل در آن دیده شود.

هدف ما از مثل‌نویسی، تقویت توانایی نوشتن است. مثل‌ها اگرچه به ظاهر کوتاه‌اند اما از نظر معنی، بسیار پرمایه و فربه‌اند؛ در مثل‌نویسی، میدان ذهن برای خلق معنا و تفسیرهای تازه، باز است. هدف دیگر از آوردن مثل‌ها آن است که دانش‌آموزان با فرهنگ کهن جامعه آشنا شده، کاربرد مثل‌ها را فرا بگیرند و بتوانند به شیوه‌ای مناسب، مثل‌ها را در نوشته‌ها و سخنان خود بگنجانند.

درس دوم

گسترش محتوا (۱)
زمان و مکان

نوشتن نوعی کشف کردن است.

«ریموند کارور»

نمایه
درس دوم

عنوان: گسترش محتوا (۱): زمان و مکان

محتوا: گسترش محتوا با توصیف زمان، مکان و فضاسازی

شعرگردانی

بیتی از سعدی انتخاب شده است.
دانش‌آموزان درک و دریافت خود را می‌نویسند.

کارگاه نوشتن

۱ تعیین زمان و مکان جزئیات و فضای نوشته
۲ تولید متن با تأکید بر فضاسازی و زمان و مکان نوشته
تحلیل و ارزشیابی متن بر اساس سنجه‌ها: وصف زمان، مکان و فضاسازی

متن و تصویر

این درس یکی از شیوه‌های گسترش محتوا را آموزش می‌دهد.
متن با توصیف زمان و مکان رویدادها و ذکر جزئیات، گسترش می‌یابد و عینی‌تر و ملموس‌تر می‌شود.
سازمان‌دهی و چگونگی نوشتن جزئیات و توصیف حال و هوای موضوع نیز بیان می‌شود.

اهداف درس :

- آشنایی با روش‌های گسترش متن
- شناخت و درک اهمیت فضاسازی در متن
- آشنایی با توصیف زمان و مکان در نوشته
- تقویت توانایی توصیف جزئیات یک موضوع
- ایجاد علاقه‌مندی و نگرش مثبت نسبت به نوشتن گروهی
- توانایی تشخیص عناصر فضاسازی هر متن
- تقویت توانمندی در به کارگیری عناصر فضاسازی
- آشنایی با نمونه‌های برجسته فضاسازی در آثار نویسندگان
- توانایی درک مفاهیم شعر
- فراهم کردن فرصت دست‌ورزی برای دانش‌آموزان با شعرگردانی

روش تدریس پیشنهادی

شش کلاه تفکر

ابداع‌کننده این تکنیک ادوارد دوبونو (پدر تفکر خلاق) است. در این تکنیک به‌طور کلی با استفاده از شش سبک فکری، موضوع یا مسئله مورد نظر، بررسی می‌شود. برای هر یک از شش سبک فکری نیز یک کلاه با رنگی مخصوص در نظر گرفته شده است. در واقع رنگ کلاه‌ها نمایان‌گر طرز تفکر و نگرش افراد می‌باشد. دوبونو سعی می‌کند به کسانی که دور هم جمع می‌شوند، بیاموزد که تک بعدی فکر نکنند و به تفکر خود وسعت دهند و آنگاه به راه‌های خلاق بیندیشند و با هماهنگی مدبرانه‌ای نتایج را طبقه‌بندی کرده، از آن در تصمیم‌گیری استفاده کنند.

روش اجرای تکنیک شش کلاه تفکر

موضوع این درس، گسترش متن با استفاده از فضاسازی است؛ به بیان دیگر انتظار داریم دانش‌آموزان بتوانند با توصیف زمان، مکان و جزئیات، فضاسازی مناسبی انجام دهند. برای این منظور از تکنیک شش کلاه تفکر استفاده می‌کنیم. در این روش شش کلاه با رنگ‌های آبی، سفید، قرمز، سیاه، زرد و سبز وجود دارد که هر یک نماد نوعی تفکر است. افراد با بر سر گذاشتن هر یک از کلاه‌ها، سبک فکری خود را بر اساس رنگ کلاه‌شان تغییر می‌دهند.

در اجرای این روش، موضوعی را مطرح می‌کنید و خود به‌عنوان هدایت‌کننده بحث، کلاه آبی را بر سر می‌گذارید، در واقع کلاه آبی یک نماد برای نقش تفکر شماس است.

هنگامی که کسی کلاه آبی را بر سر می‌گذارد باید به موارد زیر دقت کند.

■ رنگ آبی، نماد آسمان آبی‌رنگ است که چتر آن بر همه جا گسترده شده و کسی که کلاه آبی بر سر می‌گذارد باید بتواند افکار جاری در محیط جلسه را در ذهن خود به جریان درآورده، نظم و تمرکز دهد.

■ کلاه آبی همچون نرم‌افزاری است که تلاش می‌کند به تفکر جمع، جهت دهد و با برنامه‌ای مشخص آن را به سرانجام برساند. اکنون بر روی صندلی خود بنشینید و موضوع را بر روی تخته سیاه بنویسید. در نخستین اقدام و با هدایت شما همه دانش‌آموزان ابتدا باید کلاه سفید بر سر بگذارند و درباره موضوع بیان شده بیندیشند. هنگامی که افراد همگی تصمیم می‌گیرند با کلاه سفید تفکر کنند باید به نکات زیر توجه نمایند:

■ هر چیزی که از اطلاعات محض درباره موضوع می‌دانند بیان کنند. ادوارد دوبونو در این باره می‌گوید: چنین فردی همچون کودکی است که محتویات جیب خود را بر روی میز، خالی می‌کند.

■ هنگامی که کلاه سفید را بر سر می‌گذارند، نباید به چیزهایی که شامل الهامات، قضاوت‌های متکی به تجارب گذشته، عواطف، احساسات و عقاید است، توجه کنند و تنها باید مانند یک رایانه، فقط اطلاعات ارائه کنند.

حال شما باید اطلاعاتی را که از دانش‌آموزان به واسطه تفکر با کلاه سفید به دست آمده، جمع‌بندی کنید. اطلاعات این بخش، گزارشی خنثی از دریافت‌های حواس است و کاملاً خام است. در اینجا برای گسترش زمان، مکان و فضاسازی، دانش‌آموزان را وارد مرحله بعد کنید تا با بر سر گذاشتن کلاه قرمز، شروع به تفکر کنند. هنگامی که حاضرین می‌خواهند با کلاه قرمز درباره موضوع مورد نظر، تفکر کنند باید به نکات زیر توجه کنند:

■ اجازه دهید احساسات و عواطف بر وجود شما حاکم شده، به زبان درآیند و هر کسی می‌تواند از الهامات و دریافت‌های ناگهانی خویش سخن گوید و دیگر نیازی به استدلال نیست.

■ هنگامی که از کلاه قرمز استفاده می‌کنیم باید از قوی‌ترین احساسات خود نظیر ترس و نفرت گرفته تا احساسات ظریف مانند تردید و سوءظن سخن به میان آوریم و به گفته «دوبونو» همچون آینه‌ای شویم که احساسات خود را با تمام پیچیدگی‌هایش بیان می‌کند.

پس از اینکه نظرات اعضای جلسه ارائه شد، شما اقدام به جمع‌بندی تراوشات فکری حاضران کرده، آنگاه به مرحله بعد قدم بگذارید و اجازه دهید حاضران کلاه زرد را بر سر بگذارند.

زرد، نماد آفتاب است و آفتاب آغاز سازندگی، شادابی و خوش‌بینی است. گویی هر جا سراج از خورشید

گرفته می‌شود گرمی زندگی و زایشی دیگر در میان است و تفکر مثبت باید با کنجکاوی، شادمانی و تلاش برای درست شدن کارها همراه باشد. فرد با گذاشتن کلاه زرد تلاش می‌کند به نکات ارزشمند و مثبت موضوع بنگرد.

اکنون بار دیگر به جمع‌بندی نظرات به دست آمده با کلاه زرد بپردازید. سپس از دانش‌آموزان بخواهید با گذاشتن کلاه سیاه به جنبه‌های منفی موضوع نیز توجه کنند. پس از آن، در نهایت به کلاه آخر یعنی کلاه سبز می‌رسید.

کلاه سبز، کلاه خلاقیت است. سبز، رنگ باروری است و همچون دانه‌ای است روئیده در دل خاک که روزی به درختی تناور و سرسبز تبدیل می‌شود.

در پایان، شما به نکاتی که در گفت‌وگوها در زمینه فضاسازی و توصیف زمان، مکان و جزئیات مطرح شد اشاره می‌کنید و از دانش‌آموزان می‌خواهید همین مطالب را در قالب نوشته آورده، و پیش‌نویس خود را ارائه دهند.

هدف استفاده از «تکنیک شش کلاه تفکر» گسترش ذهن دانش‌آموزان درباره موضوع و فضاسازی ذهنی است. متن زیر، صبح یک روز مه‌آلود را در دشتی با سرزمین‌های باتلاقی توصیف می‌کند. خواندن این متن می‌تواند به فهم بهتر دانش‌آموزان کمک کند؛ جملات متن به لحاظ زمان و مکان، حال و هوا و جزئیات، بررسی شده است.

صبحی یخ‌زده و بسیار مرطوب بود. نمی‌توانست شیشه پنجره کوچکم را فراگرفته بود این تصور را در من برمی‌انگیخت که دیوی تمام شب را گریسته و از پنجره به جای دستمال استفاده کرده است. اکنون نم را که چون تار عنکبوتی زمخت بر پرچین لخت و علف‌های لاغر و نزار نشسته بود و خویشتن را از شاخه‌ای به شاخه‌ای و از ساقه‌ای به ساقه‌ای می‌آویخت، به خوبی می‌دیدم. بر هر توده و دریاچه‌بندی، نمی‌چسبناک سایه افکنده و مه سرزمین‌های باتلاقی چنان غلیظ و انبوه بود که انگشت چوبی روی تیر راهنما، که مردم را به روستای ما راهنمایی می‌کرد (همان راهی که هرگز مورد قبول واقع نمی‌گردید، زیرا هرگز کسی از آن عبور نمی‌کرد)، تا به زیر آن نرسیدم پیدا نبود. سر که بالا کردم و تابلو راهنما را نگرستم، وجدان زجرکشیده‌ام پنداشتی هیولایی را دید که مرا به سوی کشتی زندانیان دعوت می‌نمود.

هنگامی که به زمین‌های باتلاقی رسیدم، مه انبوه‌تر بود و به نظر می‌رسید که به جای اینکه من با اشیا مواجه شوم، آنها با من تصادم می‌کنند و این موضوع در وجدان ناراحت من تأثیری بس ناخوشایند داشت. زده‌ها و پشته‌ها و تل‌ها از میان مه ناگهان به سویم می‌جهیدند، گویی به وضوح فریاد می‌زدند: «آهای این پسر بچه کلوچه دیگری را دزدیده، او را بگیرید!» گاوها نیز با همان شیوه غیرمنتظره به سویم می‌آمدند و همچنان که خیره‌خیره مرا می‌نگریستند و از منخرینشان بخار بیرون می‌دادند، می‌گفتند: «سلام دزد کوچولو!» ...

(آرزوهای بزرگ، دیکنز)

| جزئیات | حال و هوا | مکان | زمان | |
|--------|-----------|------|------|--|
| | * | | * | صبحی یخ‌زده و بسیار مرطوب بود. |
| | * | | | نمی که پشت شیشه پنجره کوچکم را فرا گرفته بود. |
| * | * | | | این تصوّر را در من برمی‌انگیخت که دیوی تمام شب را گریسته و از پنجره به جای دستمال استفاده کرده است. |
| * | * | * | | اکنون نم را که چون تار عنکبوت زمختی بر پرچین لخت و علف‌های لاغر و نزار نشسته بود و خوشتن را از شاخه‌ای به شاخه‌ای و از ساقه‌ای به ساقه‌ای می‌آویخت، به خوبی می‌دیدم. |
| * | * | * | | بر هر زرده و دریچه‌بندی، نمی چسبناک سایه افکنده و مه سرزمین‌های باتلاقی چنان غلیظ و انبوه بود که انگشت چوبی روی تیر راهنما که مردم را به روستای ما راهنمایی می‌کرد. |
| | * | * | | (همان راهی که هرگز مورد قبول واقع نمی‌گردید، زیرا هرگز کسی از آن عبور نمی‌کرد)، تا به زیر آن نرسیدم پیدا نبود. |
| * | * | | | سر که بالا کردم و تابلو راهنما را نگریدم، وجدان زجرکشیده‌ام پنداشتی هیولایی را دید که مرا به سوی کشتی زندانیان دعوت می‌نمود. |
| | * | * | | هنگامی که به زمین‌های باتلاقی رسیدم، مه انبوه‌تر بود و به نظر می‌رسید که به جای اینکه من با اشیا مواجه شوم، آنها با من تصادم می‌کنند. |
| | * | | | و این موضوع در وجدان ناراحت من تأثیری بس ناخوشایند داشت. |
| * | * | * | | زرده‌ها و پشته‌ها و تل‌ها از میان مه ناگهان به سویم می‌جهیدند، گویی به وضوح فریاد می‌زدند: «آهای این پسر بچه کلوچه دیگری را دزدیده، او را بگیرید!» |
| * | * | | | گاوها نیز با همان شیوه غیرمنتظره به سویم می‌آمدند و همچنان که خیره‌خیره مرا می‌نگریستند و از منخرینشان بخار بیرون می‌دادند، می‌گفتند: «سلام دزد کوچولو!» |

◦ کاربرد شماره ۱

گسترش موضوع با توصیف زمان و مکان

طرح موضوع : زنگ ورزش است؛ در حیاط مدرسه حادثه‌ای برای یکی از دوستانتان روی می‌دهد، قبل از پرداختن به شرح ماجرا زمان و مکان حادثه را با ذکر جزئیات توصیف کنید.
الف) توصیف زمان حادثه :

ب) توصیف مکان حادثه :

◦ کاربرد شماره ۲

فضاسازی در نوشته

فضای کلاس و حال و هوای دانش‌آموزان را قبل از برگزاری امتحان توصیف کنید.

جستاری در متن

جهت تفهیم بهتر عناصر فضاسازی می‌توان نمونه‌هایی از آثار نویسندگان بزرگ را در کلاس خواند و عناصر فضاسازی آنها را تحلیل کرد.

نمونه توصیف مکان و زمان

آخرهای تابستان آن سال‌ها در خانه‌ای در یک دهکده زندگی می‌کردیم که در برابرش رودخانه و دشتی و بعد کوه قرار داشت. در بستر رودخانه ریگ‌ها و پاره‌سنگ‌ها، زیر آفتاب، خشک و سفید بود. آب زلال بود و نرم حرکت می‌کرد و در جاهایی که مجرا عمیق بود، رنگ آبی داشت. نظامی‌ها از کنار رودخانه در جاده می‌گذشتند و گرد و خاکی که بلند می‌کردند روی برگ‌های درختان می‌نشست. تنه درخت‌ها هم گرد و خاکی بود، آن سال برگ‌ها زود شروع به ریختن کرد و ما می‌دیدیم که قشون در طول جاده حرکت می‌کرد و گرد و خاک برمی‌خاست و برگ‌ها با وزش نسیم می‌ریخت و سربازها می‌رفتند.

دشت سرشار از محصول بود و باغ‌های میوه فراوان داشت و در آن سوی دشت کوه‌های قهوه‌ای رنگ دیده می‌شد. در این کوه‌ها جنگ بود و ما شب‌ها برق توپ‌ها را می‌دیدیم، در تاریکی، مثل رعد و برق بود، ولی شب‌ها سرد بود و هیچ نشانه‌ای از آمدن طوفان نبود. گاهی در تاریکی، صدای سربازها را که از زیر پنجره می‌گذشتند، می‌شنیدیم. شب‌ها آمد و شد زیاد بود و قاطرهای زیادی بودند که در هر لنگه خورجین‌شان یک صندوق مهمات بود. کامیون‌های خاکی رنگ که آدم بارشان بود و کامیون‌های دیگری که روی بارشان برزنت کشیده شده بود و آهسته‌تر حرکت می‌کردند.

(وداع با اسلحه، ارنست همینگوی)

نمونه‌ای از فضاسازی و پرداختن به جزئیات :

چراغ زرد کهربایی روشن شد. اتومبیل‌هایی که جلوتر از بقیه بودند پیش از قرمز شدن چراغ، سرعت خود را افزایش دادند و سریع عبور کردند. در خط‌کشی عابر پیاده، چراغ سبز روشن شد مردمی که منتظر ایستاده بودند قدم‌زنان از روی خط‌های سفید آسفالت سیاه گذشتند و به آن طرف خیابان رفتند. راننده‌ها بی‌صبرانه کلاچ را زیر پا فشار می‌دادند و ماشین‌ها، حاضر یراق، مثل اسب‌هایی بی‌قرار که در انتظار ضربه شلاق باشند، عقب و جلو می‌رفتند. عابرین از عرض خیابان رد شده‌اند اما چراغی که باید به ماشین‌ها اجازه حرکت بدهد هنوز چند ثانیه‌ای معطل می‌کند.

بالآخره چراغ سبز شد، ماشین‌ها مثل برق راه افتادند؛ اما آن وقت بود که معلوم شد همه ماشین‌ها تیز و فرز نیستند؛ ماشینی که اول خط وسط ایستاده، تکان نمی‌خورد؛ لابد عیبی پیدا کرده؛ پدال گاز در رفته، دنده گیر کرده، بنزین تمام کرده و... .

این چیزها تازگی ندارد، گروه بعدی عابرین پشت خط‌کشی جمع شده‌اند. می‌بینند که راننده ماشینی که حرکت نمی‌کند، از پشت شیشه جلو دست‌هایش را تکان می‌دهد و ماشین‌های پشت سر، بی‌امان بوق می‌زنند.

(کوری، ژوزه ساراماگو)

آگاهی‌های فرامتنی

شعرگردانی

شعرگردانی همچون حکایت‌نگاری و مثل‌نویسی، شگردی برای نوشتن است. گستردگی، عمق، غنا، خیال‌انگیزی و تفکرزایی موجب گشته است که شعرگردانی در میان سازه‌های نوشتار، اهمیت و ارزش بیشتری داشته باشد. در شعرگردانی، هدف فقط بازگردانی شعر و تبدیل آن به زبان نثر نیست؛ بلکه باید به آن به عنوان یکی از راه‌های گسترش نوشته و فضاسازی نگریست.

مراحل شعرگردانی

۱ تأمل: در این مرحله دانش آموزان با تلفظ و معنای واژگان شعر آشنا می‌شوند و در حدّ معنای ظاهری، آن را شناسایی می‌کنند.

۲ ادراک و کشف: در این مرحله دانش آموزان به درک اجزای متن می‌رسند و هسته معنایی شعر را کشف می‌کنند. به‌عنوان نمونه، هسته معنایی بیتی که در شعرگردانی درس دوم آمده «انتظار» است.

«دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان، بر تشنه‌ای بیارد»

۳ پرورش و گسترش معنا: در این مرحله دانش‌آموز هسته معنایی را که در مرحله قبل کشف کرده است؛ گسترش می‌دهد. برای پرورش و گسترش هسته معنایی شعر می‌توان از روش‌های بارش فکری، خوشه‌سازی، جانشین‌سازی، تضاد معنایی و... استفاده کرد.

نمونه شعرگردانی

دیدار یار غایب، دانی چه ذوق دارد؟ ابری که در بیابان، بر تشنه‌ای بیارد

«انتظار»

جهان پر از خشونت و شقاوت است. ظلم و ستم همه جا رخنه کرده است. این روزها جهانیان بیش از پیش دنبال مهرورزی و مهربانی هستند. جهان تشنه عدالت است و چشم به راه منجی موعودی که عدالت و رحمت را در پهنه گیتی بگستراند. «بیا که می‌رود این شهر رو به ویرانی».

درس سوم

گسترش محتوا (۲)
شخصیت

شخصیت چیست؟ چیزی نیست مگر شرح و قایع.
واقعۀ چیست؟ چیزی نیست مگر نمایش شخصیت.

«هنری جیمز، مبانی داستان کوتاه»

نمایه
درس سوم

عنوان: گسترش محتوا (۲): شخصیت

محتوا: گسترش محتوا با توصیف اشخاص (شخصیت‌پردازی)

حکایت‌نگاری

بازنویسی حکایتی از
بهارستان جامی

کارگاه نوشتن

- ۱ مشخص کردن ویژگی‌های ظاهری و رفتاری شخصیت‌های نوشته
- ۲ تولید متن و خلق شخصیت‌ها، و توصیف آنها
- ۳ تحلیل و نقد متن‌های تولیدی دانش‌آموزان

متن و تصویر

- توصیف شخصیت انواع توصیف:
- ۱ توصیف ظاهر شخصیت
 - ۲ توصیف حالت‌ها و روحیه شخصیت

اهداف درس

- آشنایی با شخصیت پردازی به عنوان یکی از روش‌های گسترش متن
- توانمندی در توصیف ظاهری اشخاص
- توانمندی در توصیف حالات و احساسات شخصیت‌ها
- ایجاد فضا سازی در نوشته با توصیف اشخاص
- تشخیص ویژگی‌های ظاهری و باطنی شخصیت‌های نوشته
- توانایی سازماندهی متن
- توانایی طراحی ساختار درونی نوشته
- آشنایی با شخصیت پردازی در داستان
- توانایی خلق شخصیت‌های متنوع و متفاوت در متن
- ایجاد فرصت برای ساده‌نویسی با حکایت‌نگاری

روش تدریس

تکنیک فهرست خصوصیات

در این روش که نخستین بار رابرت کرافورد آن را مطرح کرد، به جای اینکه موضوع به شکل کلی بررسی شود آن را به اجزای کوچک و کوچک‌تر تقسیم کرده، هر جزء را به‌طور مستقل بررسی می‌کنیم. یکی از مزایای این روش آن است که به وسیله آن مطمئن می‌شویم به تمام ابعاد و جوانب موضوع توجه می‌شود. به عبارت دیگر، این روش کمک می‌کند تا به‌طور مشخص و آگاهانه به تمام ابعاد و جوانب موضوع توجه کنیم، درحالی که اگر به‌طور عادی بخواهیم به موضوع فکر کنیم، ممکن است بعضی از ابعاد و جوانب موضوع به دلیل وجود قالب‌های ذهنی، به‌طور ناخودآگاه حذف شود و ما از آن غافل بمانیم.

شخصیت، یکی از عناصر متن است که نویسنده آن را خلق می‌کند. برای خلق شخصیت می‌توان از تکنیک خلاقانه «فهرست خصوصیات» بهره برد. در اجرای این روش، فهرستی از صفات و ویژگی‌های گوناگون موضوع (اعم از انسان، حیوان، اشیا)، مانند شکل، اندازه، رنگ، جنس، کاربرد و ویژگی‌های ظاهری و باطنی تهیه می‌شود.

در ادامه نویسنده بر هر خصوصیت متمرکز می‌شود و روش‌هایی که بتوان به وسیله آنها خصوصیت را اصلاح کرد یا تغییر داد یا بهبود و ارتقا بخشید، جست‌وجو می‌کند و از این رو، در فرایند این تمرکزها،

جست‌وجوها و تأمل‌ها، ایده‌های جدیدی به ذهن‌خطور می‌کند.

نویسنده باید مهمترین ویژگی‌ها یا آن دسته از ویژگی‌های شخصیت مورد نظر خود را که باعث جدایی‌ت نوشته می‌شود، برگزیند و ویژگی‌های معمولی و پیش‌پا افتاده را نادیده گرفته، یا از آنها به گونه‌ای مختصر در متن استفاده کند.

متن زیر نمونه بسیار مناسبی است که نویسنده با استفاده از فهرست خصوصیات ذهنی خود، خلق کرده است.

«عبّاس دیگر جوانکی بود جره؛ بالای پانزده سال؛ گوش‌های برگشته و بزرگ، صورتی قاق کشیده، چشمانی بزرگ و سیاه و رنگ و رویی که از زردی به کبودی می‌زد. تا پدرش بود، او را وامی‌داشت که موهای سرش را از ته ماشین بزند. اما عباس به هزار زور و زحمت توانسته بود به سلوچ بقبولاند که کاکلی جلو سر خود بگذارد. این بود که حالا یک دسته موی زیر پیچ‌پیچ جلو سر از زیر کلاه پاره‌اش بیرون بود. نیم‌تنه‌ای را که دیگر به تنش تنگ شده و سرشانه‌ها و آرنج‌گاه آستین‌هایش ساییده شده بود به تن کرده، گیوه‌ها را ورکشیده و نخ‌ها را محکم به دور گیوه‌ها گره زده بود. گیوه را نباید نخ بست اما اگر عباس تخت و رویه گیوه‌هایش را با نخ به هم نمی‌بست، از پاهایش می‌افتادند. گیوه‌های عباس تار و پود پوسانده بودند.»

جای خالی سلوچ، محمود دولت‌آبادی

• کاربرد

الف) توصیف مشخصات ظاهری

ویژگی‌های ظاهری یکی از اطرافیان و آشنایان خود را توصیف کنید.

.....

ب) توصیف حالات و احساسات

شور و حال و هیجانات یکی از هم‌کلاسی‌هایتان را توصیف کنید.

.....

جستاری در متن

در این درس شایسته است انواع توصیف شخصیت به اجمال معرفی شود و از هر کدام نمونه‌ای در کلاس خوانده شود.

انواع توصیف شخصیت:

الف) توصیف ساده و ظاهری: در این نوع توصیف باید با دقت به اشخاص نگرست و ویژگی‌های چهره و اندام (چاقی، لاغری، کوتاهی، بلندی) را یک به یک بررسی کرد.

نمونه توصیف ظاهری:

«همیشه ماتو مشکی می‌پوشد و کفش‌هایی با پاشنه کوتاه. لاغراندام است و قد بلند و کشیده‌ای دارد. چشمانش درشت و قهوه‌ای رنگ است و ابروهایش باریک و مشکی. صدایش آنقدر گرم و دلنشین است که تا پایان کلاس، از شنیدنش سیر نمی‌شوی. هنگام صحبت کردن، دستانش را حرکت می‌دهد. وقتی می‌خواهد مطلب مهمی را توضیح بدهد، اول مقنعه‌اش را جلو می‌کشد و بعد جمله‌اش را با «خانم‌ها دقت کنید» آغاز می‌کند...»

ب) توصیف اخلاق، روحیات و علائق شخصیت: اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، حالات

متفاوتی دارند؛ حالت‌هایی مانند خشم، شادی، ترس، آرامش و ...

توصیف این حالات در شخصیت‌پردازی اهمیت ویژه‌ای دارد.

نمونه توصیف حالات و رفتار:

«دستش را جلو می‌آورد تا با من دست بدهد، احساس می‌کنم مثل همیشه گرم و صمیمی نیست. دست‌هایش سرد و چهره‌اش درهم است. وقتی به چشم‌هایش نگاه می‌کنم نگاهش را از من می‌دزد. نگاهش مهربانی همیشگی را ندارد...»

پ) توصیف روابط بین افراد: روابط انسانی، بخش عمده‌ای از زندگی روزمره را تشکیل می‌دهد.

توصیف این روابط می‌تواند گوشه‌ای از شخصیت افراد را نشان بدهد. نمونه زیر را ببینید:

«باران به شدت می‌بارد. جدول‌ها لبریز شده‌اند و خیابان را آب گرفته. راه رفتن در پیاده‌رو که پر از آب شده، دشوار است. جوانی که کیفش را محکم گرفته و چتری در دست دارد، با عجله در حال عبور از خیابان است. آن قدر عجله دارد که حواسش به جدول پرآب کنار خیابان نیست. ناگهان در جدول می‌افتد و تا زانو در آب فرو می‌رود. بی‌اختیار خنده‌ام می‌گیرد. جوانک نگاهی از سر درماندگی به من می‌اندازد. از خودم بدم می‌آید. سریع به طرفش می‌روم و دستش را می‌گیرم تا از جوی آب بیرون بیاید. لباس‌هایش خیس و چترش کج و کوله شده است. نگاهی تشکرآمیز به من می‌کند و بدون اینکه چیزی بگوید، با عجله به راهش ادامه می‌دهد...»

ت) توصیف افراد در مکان‌های خاص : درباره «توصیف مکان» در درس دوم سخن گفتیم. می‌دانیم که مکان‌ها و افراد از هم جدایی ناپذیرند. برخی مکان‌ها با حضور افراد، معنا و هویت پیدا می‌کنند و رفتار افراد در مکان‌های گوناگون، تغییر می‌یابد؛ مانند رفتار فرد در محل کار در مقایسه با رفتار وی در خانه.

نمونه :

«وقتی توی مسجد الحرام نشسته‌ام احساس عظمت و نفهمیدن می‌کنم. احساس بیرون بودن. توی طواف حالم خوب است چون گریه‌ام می‌گیرد و وقتی گریه می‌کنم می‌توانم کمی نفس بکشم. نمازهای مسجدالنبی سبکم می‌کند مثل پر! سر می‌خورم و پرسه می‌زنم زیر چترها و لابه‌لای گوناگونی صورت‌ها و نگاه‌ها و بغض‌ها و سکوت‌ها. حتی دلم نمی‌خواهد با آدم‌ها حرف بزنم! اینجا آنقدر با آنچه می‌بینم و می‌یابم درگیرم که به دیگران نمی‌رسم...»

حبیبه جعفریان

در این درس معلّم می‌تواند نمونه‌های متعدّد شخصیت‌پردازی را در آثار ادبی، برای پایداری یادگیری، در کلاس ارائه دهد.

الف) توصیف ویژگی‌های ظاهری :

در ادبیات گذشته، نمونه‌های جذّاب و دقیق توصیف اشخاص و مکان‌ها را می‌توان در کلام «ابوالفضل بیهقی» جست‌وجو کرد :

«حسنک پیدا آمد بی بند؛ جبه‌ای داشت حبری‌رنگ و با سیاه می‌زد، حَلَقْ گونه. و دزّاعه و ردایی سخت پاکیزه و دستاری تشابوری مالیده و موزه میکائیلی نو در پای و موی سر مالیده، زیر دستار پوشیده کرده، اندک مایه پیدا می‌بود.»

تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی

ب) توصیف رفتار و حالات :

نمونه از ادبیات گذشته :

«این بوسهل، مردی امام‌زاده و محتشم و فاضل و ادیب بود. اما شرارت و زعارتی در طبع وی مؤکّد شده بود و با آن شرارت، دلسوزی نداشت و همیشه چشم نهاده بودی تا پادشاهی بزرگ و جبار بر چاکری خشم‌گرفتی و آن چاکر را لت زدی و فرو گرفتی؛ این مرد از کرانه بجستی و فرصتی جستی و تضریب همی کردی و آلمی بزرگ بدین چاکر رسانیدی و آنگاه لاف زدی که فلان را من فرو گرفتم.»

تاریخ بیهقی، ابوالفضل بیهقی

نمونه از ادبیات معاصر :

«روی گشادهٔ مرگان در کار، نه برای خوشایند صاحب کار، بلکه برای به زانو درآوردن کار بود. مرگان این را یاد گرفته بود که اگر دل مرده و افسرده به کار نزدیک بشود، به زانو درخواهد آمد. کار بر او سوار خواهد شد. پس با روی گشاده و دل باز به کار می‌پیچید. طبیعت کار چنین است که می‌خواهد تو را زمین بزند و از پا درآورد؛ این تو هستی که نباید از پا دربیایی. مرگان نمی‌خواست خود را ذلیل کار ببیند. مرگان، کار را درو می‌کرد.»

جای خالی سلوچ، محمود دولت‌آبادی

آگاهی‌های فرامتنی

حکایت‌نگاری

در حکایت‌نگاری، تأکید بر بازنویسی به زبان ساده است. بازنویسی از روش‌های دست‌ورزی در کسب مهارت‌های نوشتاری و به منزلهٔ پلی ارتباطی جهت گسترش تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی است.

روش بازنویسی حکایت

حکایت‌ها معمولاً کوتاه و مختصرند و هدف آنها بیان پیام‌های اخلاقی و تربیتی به روش مستقیم است و نویسندگان آنها فرصت شخصیت‌پردازی، توصیف زمان، مکان، فضا سازی و... را ندارند. بنابراین دانش‌آموزان باید در بازنویسی حکایت‌ها، این عناصر را در متن بیابند و گسترش دهند. به این حکایت از درس سوم توجه کنید :

«طاووسی و زاغی در صحن باغی به هم رسیدند و عیب و هنر یکدیگر را دیدند. طاووس با زاغ گفت : این موزهٔ سرخ که در پای توست لایق دیبای نگارین من است. همان وقت که به وجود می‌آمده‌ایم در پوشیدن موزه، اشتباه کرده‌ایم. من موزهٔ سیاه تو را پوشیده‌ام و تو موزهٔ سرخ مرا.

زاغ گفت : برخلاف این است؛ اگر خطایی رفته است در پوشش‌های دیگر رفته است. باقی پوشش‌های زیبای تو مناسب موزهٔ من است، در آن خواب‌آلودگی، تو سر از گریبان من درآوردی و من سر از گریبان تو! در آن نزدیکی، سنگ‌پشتی بود و آن مجادله را می‌شنید، سر برآورد که ای یاران عزیز، از این گفت‌وگوی باطل دست بردارید، خدای تعالی همه چیز را به یک کس نداده است. هر کس را به دادهٔ خود خرسند باید بود و خشنود.»

بهارستان، جامی

پیش از این، به فضاسازی و شخصیت پردازی پرداخته شده است. دانش آموزان باید آموزه‌های این دو درس را به شکلی محدود، در حکایت نویسی اعمال کنند.

| شخصیت | طاووس، زاغ، سنگ پشت |
|---|---|
| شخصیت پردازی، توصیف ویژگی‌های ظاهری، نام‌گذاری شخصیت‌ها | طاووس: زیبا با پرهای رنگارنگ، پاهایی زشت، خودپسند زاغ: بال و پر مشکی، پاهای قرمز و خوش‌رنگ سنگ‌پشت: پیر، دانا و باتجربه |
| مکان | صحن باغ |
| فضاسازی و توصیف مکان | باغی زیبا با درختان انبوه که نهر کوچکی در آن جاری است. |
| زمان | نامشخص |
| توصیف زمان | صبحی بهاری |
| پیام | پرهیز از غرور، راضی بودن به داشته‌ها |
| گسترش پیام | نایبند شمردن غرور و خودپسندی، خشنودی از داشته‌های خود، پرهیز از مجادله |
| عنوان | بدون عنوان |
| انتخاب عنوان | بر اساس شخصیت‌ها یا وقایع عنوان مناسبی انتخاب شود. |

اکنون می‌توانید با بهره‌گیری از این عناصر، حکایت‌نگاری را آغاز کنید.

درس چهارم

گسترش محتوا (۳) گفت و گو

گفت : آفتاب، چراغ ما ناپدید کرد.

گفت : چون از خانه به در نهمی، خاصه به نزد آفتاب هیچ نماند!

«قصه های شیخ اشراق»

نمایه درس چهارم

عنوان : گسترش محتوا (۳) : گفت و گو

محتوا : گسترش محتوای نوشته با طراحی گفت و گو

مثل نویسی

بازآفرینی و گسترش یکی از مثل های ارائه شده

کارگاه نوشتن

- ۱ تعیین کردن موضوع و طرح گفت و گو در نوشته
- ۲ تولید متن با برجسته کردن گفت و گوها
- ۳ ارزیابی نوشته ها براساس سنجه های درس

متن و تصویر

در این درس یکی دیگر از روش های گسترش محتوای متن آموخته می شود.

مراحل ایجاد گفت و گو :

- ۱ مشخص کردن دو طرف گفت و گو
- ۲ طرح ریزی یک گفت و گو براساس موضوع
- ۳ نوشتن گفت و گو براساس طرح

اهداف درس :

- توانایی گسترش محتوای نوشته با تأکید بر عنصر «گفت و گو»
- استفاده از گفت و گو جهت معرفی شخصیت‌ها
- استفاده از گفت و گو برای فضاسازی
- جان‌دار کردن و به حرکت درآوردن متن با عنصر «گفت و گو»
- توانایی طراحی گفت و گو
- کسب مهارت در نوشتن با بازآفرینی مثل‌ها
- تقویت تفکر انتقادی و قدرت نقد و تحلیل متن

روش‌های تدریس

روش پیش‌سازمان‌دهنده

سازماندهی محتوای کتاب‌های تازه تألیف نگارش به شکلی است که محتوای کتاب پایه قبل با پایه بعد مرتبط است. محتوای درس‌های هر کتاب نیز تکمیل‌کننده درس‌های پیشین است. معلم با ارائه پیش‌سازمان‌دهنده‌ها ذهن دانش‌آموزان را به تکاپو وامی‌دارد. پیش‌سازمان‌دهنده‌ها از طریق پیوند دادن دانش پیشین دانش‌آموزان، با آنچه باید بیاموزند، ذهن آنان را مهیای یادگیری مطالب جدید می‌کنند. برای نمونه، در تدریس درس چهارم نگارش یازدهم، می‌توان پیوندی میان این درس و درس هشتم نگارش دهم (داستان) برقرار ساخت. از محتوای درس‌های دوم و سوم کتاب نگارش یازدهم نیز می‌توان به‌عنوان پیش‌سازمان‌دهنده استفاده کرد. اگر ساختار این درس را به شکل یک هرم تصور کنیم، مفاهیم کلی و گسترده در رأس هرم و مفاهیم جزئی و عینی‌تر در قاعده هرم جای می‌گیرند.



مراحل روش تدریس پیش‌سازمان‌دهنده

- ۱ ارائه پیش‌سازمان‌دهنده‌ها : معلم در این مرحله، پیش‌سازمان‌دهنده را که از مطالب درسی کلی‌تر است، ارائه می‌دهد. بدین منظور، متنی گفت‌وگو محور را در کلاس می‌خواند و هنگام خواندن متن، بر فضاسازی و شخصیت‌پردازی تأکید نموده، دانش‌آموزان را به درس‌های پیشین ارجاع می‌دهد.
- ۲ ارائه مطالب و مفاهیم درس جدید : در این مرحله، معلم اطلاعاتی درباره روش طراحی و خلق گفت‌وگو در کلاس ارائه می‌دهد و از آموخته‌های پیشین دانش‌آموزان استفاده نموده، فضاسازی و شخصیت‌پردازی را از طریق گفت‌وگو آموزش می‌دهد.
- ۳ سازماندهی و طرح اولیه گفت‌وگو : هر یک از دانش‌آموزان با راهنمایی دبیر خود، موضوعی را برمی‌گزینند. آنگاه طرفین گفت‌وگو را مشخص نموده، با بهره‌گیری از عناصر و اجزای مرتبط با موضوع، گفت‌وگویی را طرح‌ریزی می‌کنند؛ در ضمن این گفت‌وگوها فضای نوشته، مکان، زمان و شخصیت‌ها به شکل غیرمستقیم مشخص می‌شوند.
- ۴ تولید متن : در مرحله پایانی، دانش‌آموزان گفت‌وگوها را به شکلی منطقی، به یکدیگر مرتبط می‌سازند. سپس گفت‌وگوها را در متن جای می‌دهند و محتوای متن را گسترش می‌دهند.

• کاربرد

الف) گفت‌وگویی طراحی کنید که در آن، طرفین گفت‌وگو «شب‌نم» و «آفتاب» باشند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

ب) گفت‌وگویی طراحی کنید که در آن، طرفین گفت‌وگو «مسافر» و «راننده تاکسی» باشند.

.....

.....

.....

.....

.....

جستاری در متن

جستاری در متن (۱)

گفت‌و‌گوی یکی از ارکان اساسی داستان است. اگر گفت‌و‌گو هوشمندانه و متناسب با شخصیت‌ها طراحی شود، به نوشته نیرو می‌بخشد و متن را به حرکت وا می‌دارد.

در ادبیات داستانی، گفت‌و‌گو بر دو نوع تقسیم می‌شود:

۱) گفت‌و‌گوی بیرونی (دیالوگ): نمونه گفت‌و‌گوی بیرونی را در متن همین درس (گفت‌و‌گوی ناخدا و دوست دوران کودکی اش) می‌بینید.

۲) گفت‌و‌گوی درونی (مونولوگ): گفت‌و‌گوی درونی، زیباترین و پنهان‌ترین حالات شخصیت‌ها را به نمایش می‌گذارد.

نمونه:

دراز کشیده بود و قایق را هدایت می‌کرد. با خود گفت: هنوز نصفش را دارم. شاید بخت یارم باشد و نصف دیگر ماهی را بتوانم به منزل برسانم.

بلند گفت: «پرت و پلانگو، بیدار باش و سگ‌ان را نگه دار. از کجا معلوم که بخت بلند باشد؟ فکری کرد و ادامه داد: «اگر جایی بخت می‌فروختند، می‌خریدم.»

از خود پرسید: «با چی می‌خریدی؟ با آن نیزه که از دست داده‌ای یا با این دست‌های ناتوان.»
با خود گفت: «بله تو با هشتاد و چهار روز کار توی دریا تلاش خودت را کردی...»

(پیرمرد و دریا، همینگوی)

گفت‌و‌گوی درونی بر دو نوع است:

الف) تک‌گویی درونی: بیان اندیشه به هنگام ظهور آن در ذهن، پیش از پرداخت و تشکیل آن. سخنانی که کودکان هنگام بازی، بدون داشتن مخاطب، با خود می‌گویند، شباهت بسیاری به تک‌گویی درونی دارد؛ با این تفاوت که در تک‌گویی درونی، واژگان در ذهن شخصیت نوشته، جاری است و آنها را بر زبان نمی‌آورد.

ب) حدیث نفس: در حدیث نفس، شخصیت، افکار و احساسات خود را به زبان می‌آورد تا خواننده از نیت و قصد او آگاه شود.

کاربرد حدیث نفس بیشتر در نمایشنامه است. قطعه «بودن یا نبودن» در نمایشنامه «هملت» اثر «ویلیام شکسپیر» نوعی حدیث نفس است.

جستاری در متن (۲)

در آثار کهن نیز گفت‌وگو دیده می‌شود و نقش مؤثری در پیشبرد نوشته دارد. قهرمانان داستان‌ها در شاهنامه سخن می‌گویند. گاهی این گفت‌وگو، رو در رو و گاهی در قالب نامه است، مانند نامه‌ای که افراسیاب به سیاوش می‌فرستد :

«شنیدم پیام از کران تا کران
ز بیداردل زنگه شاوران
غمی شد دلم زان که شاه جهان
چنین تیز شد با تو اندر نهان»

(شاهنامه فردوسی)

و در مخزن الاسرار، خسرو و فرهاد با یکدیگر مناظره می‌کنند :

«نخستین بار گفتش کز کجایی؟
بگفت : از دارِ ملک آشنایی
بگفت : آنجا به صنعت در چه کوشند؟
بگفت : انده خورند و جان فروشند»

مولوی نیز در داستان‌های خود به هنرمندی از گفت‌وگو یاری جسته است :
«روزی یکی همراه شد، با بایزید اندر رهی
پس بایزیدش گفت : چه پیشه گزیدی ای دغا؟
گفتا : که من خرنده‌ام، پس بایزیدش گفت : رو
یا رب خرش را مرگ ده تا او شود بنده‌ی خدا»

(دیوان شمس)

نمونه :

در قصص قرآنی نیز به نیکویی از گفت‌وگو استفاده شده است.
«سلیمان با سپاه خود حرکت کرد و به محلی که مورچه‌ها در آن بودند رسید.
فرمانده مورچه‌ها فرمان داد : «وقتی تخت سلیمان پیدا شد فرار کنید.»
باد فرمان را به گوش سلیمان رساند. سلیمان به مورچه گفت : «مگر از سپاه من چه دیدی؟» مورچه
گفت : «ای پیامبر از من خشمگین مشو، تو پادشاهی و من نیز پادشاهم. این زمین زر دارد، ترسیدم سپاه تو
این زمین را زیر و رو کند و به سپاه من آسیب رساند.»

معلم می‌تواند نمونه‌هایی از شاهکارهای ادب فارسی را برای آموزش طرّاحی گفت‌وگو، در کلاس ارائه دهد. در میان آثار منثور، «تاریخ بیهقی» و «کلیله و دمنه» نمونه‌های خوبی به‌شمار می‌روند. بیهقی در کتاب

خود، با چیره‌دستی و مهارتی بی‌مانند، از طریق طرح‌گفت‌وگو، به خلق شخصیت‌ها می‌پردازد. نمونه‌ای از این‌گفت‌وگوهای موفق را می‌توانید در درس دوم فارسی یازدهم (قاضی بست) ببینید، آنجا که گفت‌وگوی کوتاه «بونصر» با «قاضی بست»، نمایانگر مناعت طبع و پاکی قاضی بست است.

نمونه‌های زیبای گفت‌وگو در آثار منظوم ادبیات فارسی نیز بسیار است. معلّم می‌تواند به نمونه‌هایی از مطالب کتاب‌های درسی اشاره کند. این نمونه‌ها برای دانش‌آموزان عینی‌تر و ملموس‌ترند. برای مثال، بیان مفاخره و برتری‌جویی در گفت‌وگوی «رستم» با «اشکبوس»، بی‌بردن به دانایی و زیرکی در گفت‌وگوی «گردآفرید» و «سهراب»، امیدواری به وصال در گفت‌وگوی عاشق و معشوق در غزل مهر و وفا (درس ششم فارسی دهم) از این قبیل هستند.

گفت‌وگو در «مناظره» برجسته و هدفمند بی‌ریزی می‌شود. مناظره (خسرو و فرهاد) از (خسرو و شیرین نظامی) و مناظره «مست و هشیار» از «پروین اعتصامی» را می‌توان از بهترین مناظرات ادبیات فارسی دانست. گفت‌وگوهای با ضرب‌آهنگ سریع و کوبنده که متن را به حرکت درآورده و شخصیت، نگرش و جهان‌بینی طرفین گفت‌وگو را نیز آشکار می‌کند. نمونه‌های گفت‌وگو در این آثار برجسته معاصر نیز بسیار چشمگیر است: «گون و نسیم» از «دکتر محمدرضا شفيعی کدکنی»، «قصه شهر سنگستان» از «مهدی اخوان ثالث»، «پس آنگاه زمین به سخن درآمد» از «احمد شاملو».

دو نمونه گفت‌وگو در شعر معاصر

گفت‌وگوی کرم با پرنده

در پیله تا به کی، بر خویشتن تنی؟
 پرسید کرم را، مرغ از فروتنی
 تا چند منزوی، در کنج خلوتی؟
 در پیله تا به کی، در محبس تنی؟
 در فکر رستنم، پاسخ بداد کرم
 خلوت نشسته‌ام، زین روی منحنی
 در حبس و خلوتم، تا وا رهم به مرگ
 یا پر برآورم، بهر پریدنی
 اینک تو را چه شد، کای مرغ خانگی
 کوشش نمی‌کنی، پری نمی‌زنی؟

گفت و گوی غنچه با گل

غنچه با دل گرفته گفت :

زندگی، لب ز خنده بستن است.

گوشه‌ای درون خود نشستن است.

گل به خنده گفت : زندگی شکفتن است.

با زبان سبز،

راز گفتن است... .

«قیصر امین‌پور»

کارگاه نوشتن

تمرین شماره ۳

یکی از اهداف نقد، پرورش «تفکر انتقادی» است.

بهتر است نقد و تحلیل نوشته‌های دانش‌آموزان، توسط خود آنها انجام شود.

پرورش تفکر انتقادی

عملکردها و نگرش‌های موجود درباره دانش‌آموزان نشان می‌دهد که آنان در مهارت‌های ذهنی، استدلال، استنباط و تفکر انتقادی، توانایی قابل قبولی ندارند.

یکی از هدف‌های عمده آموزش و پرورش به‌طور عام و کتاب‌نگارش به‌طور خاص، پرورش تفکر انتقادی است. معلم باید بستر نقد و تحلیل را در کلاس فراهم نموده، توانایی طرح انتقاد و نیز روحیه انتقادپذیری دانش‌آموزان را تقویت کند.

تفکر انتقادی عبارت از اندیشیدن درباره گفته‌ها و نوشته‌های دیگران و توانایی تحلیل و نقد کلام آنهاست به‌گونه‌ای که در نهایت به اظهار نظر منطقی و داوری منصفانه منجر شود.

در پرورش توانایی تفکر انتقادی، بهتر است وجه سازنده و مثبت انتقاد برجسته گردد و نباید انتقاد و تفکر انتقادی به معنی مخرب و منفی‌خرده‌گیری از تفکر و نوشته‌های دیگران جلوه داده شود. هدف، انتقاد سازنده و تحلیل به‌منظور پرورش و ایجاد درک و فهم بهتر است. به‌همین دلیل، لازم است دبیر فضای ذهنی دانش‌آموزان را به‌منظور طرح انتقادات سازنده و میزان درک و پذیرش نظرات دیگران مهیا کند.

دانش‌آموزان برای ایجاد تغییر در ساختارهای ذهن خویش، به بحث و مناظره نیاز دارند و این تغییر صورت نمی‌گیرد مگر در محیطی که دانش‌آموزان احساس امنیت کنند. بنابراین لازم است معلم با اطمینان بخشی به دانش‌آموزان و ایجاد فضایی شاد و صمیمی، بستری مناسب برای حضور فعال آنان در نقد و تحلیل فراهم کند. همچنین وی می‌تواند با ایجاد تغییراتی در چیش نیمکت‌ها (به شکل دایره یا U) محیطی را به وجود بیاورد که دانش‌آموزان به شکل رو در رو و صمیمانه، با یکدیگر به گفت‌وگو و نقد و تحلیل نوشته‌ها و نظرات یکدیگر بپردازند.

مراحل اجرای پرورش «تفکر انتقادی»

۱ درک و فهم: درک و فهم، گام مهمی در فرایند تفکر انتقادی است. سنجه‌های پایان دروس، ابزار درک و فهم در کتاب نگارش است.

دبیر به شکل تصادفی دانش‌آموزی را انتخاب می‌کند تا متن تولیدی خود را در کلاس ارائه دهد.

۲ کاربرد سنجه‌ها: پس از خواندن متن، دانش‌آموزان بر اساس سنجه‌ها، نقل و تحلیل را آغاز می‌کنند. اگر تعدادشان زیاد باشد، برای جلوگیری از بی‌نظمی، پراکنده‌گویی و اتلاف وقت، بررسی هر سنجه به گروهی از آنان اختصاص داده می‌شود. بررسی املا و رعایت نکات نگارشی نوشته‌ها در روند سنجه، به‌عهده معلم است.

۳ ارائه بازخورد و راهبردهای تکمیلی: در مرحله پایانی، معلم به جمع‌بندی تحلیل‌ها و بازخوردها می‌پردازد و راهبردهای تکمیلی را ارائه می‌دهد و در نهایت، با در نظر گرفتن نقدها، نمره دانش‌آموز را تعیین می‌کند.

سفرنامه

درس پنجم

بازگشته‌ام از سفر
سفر از من بازمی‌گردد

شمس لنگرودی

نمایه درس پنجم

عنوان : سفرنامه

محتوا : آموزش نوشتن «سفرنامه»

شعرگردانی

درک و دریافت دانش‌آموزان
از بیت حافظ و بازپروزی آن

کارگاه نوشتن

- ۱ مشخص کردن موضوع، مکان و نکات جالب سفر بر اساس بخشی از سفرنامه ناصرخسرو
- ۲ نوشتن سفرنامه
- ۳ ارزیابی نوشته‌ها براساس سنجه‌های درس

متن و تصویر

- آشنایی با یکی از قالب‌های نوشتن «سفرنامه»
مراحل نوشتن سفرنامه :
- ۱ انتخاب موضوع
 - ۲ طرح چند پرسش کلیدی و مهم در مورد سفر
 - ۳ ثبت لحظات و رویدادهای جالب و به یاد ماندنی سفر
 - ۴ سازمان‌دهی و نوشتن طرح اولیه سفرنامه

اهداف درس :

- آشنایی با قالب سفرنامه
- تقویت توانایی نوشتن سفرنامه
- آشنایی با روش پرسش‌سازی در سفرنامه‌نویسی
- تقویت مهارت سازماندهی بندهای متن
- آشنایی با نمونه‌های ارزنده‌ای از سفرنامه
- آشنایی با انواع سفرنامه
- توانایی درک زیبای اشعار
- پرورش توانایی نوشتن و رشد خلاقیت ذهن با شعرگردانی

روش تدریس

روش ساخت‌گرایی

روش تدریس ساخت‌گرا بر مفهوم «ساخت» استوار است. منظور از ساخت، شبکه‌ی درهم‌تنیده‌ای از مفاهیم است. مفاهیم مربوط به هر حادثه، خاطره، سفرنامه و... شبکه‌ای مفهومی را شکل می‌دهند. ساخت‌گرایان بر این باورند که یادگیرنده باید به صورت آگاهانه و به منظور معنا بخشیدن به انواع پدیده‌های هستی، اقدام به ایجاد ساخت‌های ذهنی کند.

مراحل اجرای روش «ساخت‌گرایی»

۱ درگیر کردن : این مرحله برای جلب توجه دانش‌آموزان به موضوع آموزش و ایجاد انگیزه در فراگیران طراحی شده است. معلم قسمتی از یک سفرنامه را در کلاس می‌خواند. سپس با کمک دانش‌آموزان موضوعی را انتخاب می‌کند تا در قالب سفرنامه، متنی تولید شود.

۲ کاوش : منظور از کاوش در نظام ساخت‌گرا، جست‌وجوی راه‌هایی برای دانش‌سازی است. دانش‌آموزان می‌توانند با یکی از روش‌های پرسش‌سازی، بارش فکری، خوشه‌سازی و... ساختار متن را مشخص کنند.

۳ توصیف : در این مرحله دانش‌آموزان فهرستی از عناوین دیده‌ها و شنیده‌های خود را جمع‌آوری نموده، از میان آنها صحنه‌ها و حوادث مهم را در ذهن خود بازسازی می‌کنند و به توصیف تجربیات و خاطرات سفر می‌پردازند.

۴ گسترش : در این مرحله دانش‌آموزان از طریق فضا‌سازی، توصیف مکان و گفت‌وگو، ضمن گسترش دادن محتوای نوشته‌ی خود، جزئیات و لحظات خاص سفر را اضافه نموده، اتفاقات عادی و روزمره را حذف می‌کنند.

۵ آفرینش : دانش‌آموزان، با چینش بندهای نوشته، متن نهایی را می‌نویسند.

جستاری در متن

سفرنامه‌نویسی از قالب‌های کهن ادبیات جهان است. سفرنامه هم داستان سفر است هم منبعی ارزشمند برای تحقیق در تاریخ و مردم‌شناسی.

در تعریف سفرنامه گفته‌اند: «سفرنامه، کتابی است که نویسنده آنچه را در شهر یا شهرهایی که به آنجا سفر کرده، دربارهٔ مردم، عقاید، آداب و رسوم آنان، در زندگی و مرگ دیده و شنیده گردآورده است.» در گذشته به دلیل کم بودن وسایل حمل و نقل و سختی‌های سفر، این گونه کتاب‌ها اثر فراوانی در بالا بردن اندیشه‌های ملت‌ها داشته است.

گاهی ساختار و چارچوب سفرنامه بستگی به مخاطب آن دارد. گاهی آثار، حاوی اطلاعات و پیام‌هایی هستند که سفرنگار بدون دخالت و مستقیم آنان را نقل می‌کند و نقش اصلی او مشاهدهٔ کامل و درست است. در جریان سفر، نویسنده می‌رود، می‌بیند، گزینش، چیدمان و ثبت می‌کند و این امر باعث شکل‌گیری روایت‌های متفاوت و در نتیجه سبک‌های متفاوت سفرنامه‌نگاری می‌شود. نویسندهٔ سفرنامه نمی‌تواند همچون یک دستگاه عمل کند و تفکر و دریافت‌های او بر نوشته‌اش اثر می‌گذارد. گاهی نویسنده شرح سفر را با زبان ادبی می‌نویسد و گاه کاملاً مستند نگاری می‌کند.

به نمونه‌های زیر توجه کنید، دو نویسنده هر یک با روش خود سفر حج را به تصویر کشیده‌اند:

نمونهٔ (۱):

«و من هیچ شبی چنان بیدار نبوده‌ام و چنان هشیار به هیچی زیر آن سقف آسمان و آن ابدیت، هر چه شعر از بر داشتم خواندم — به زمزمه‌ای برای خویش — و هرچه دقیق‌تر که توانستم در خود نگریستم تا سپیده دمیدم و دیدم که «تنها» خسی است و به «میقات» آمده است و نه «کسی» و به «میعاد» و دیدم که وقت ابدیت است. یعنی اقبانوس زمان و میقات در هر لحظه‌ای و هر جا. تنها با خویش. چرا که میعاد جای دیدار توست با دیگری.»

(خسی در میقات، جلال آل احمد)

نمونه (۲):

«بوی مدینه می‌آید. این را از نم باران فهمیدم. دل‌ها بی‌تاب‌اند و چشم‌ها گریان. سمت چپمان مسجد شجره است. کم‌کم شهری سپیدپوش به استقبالمان می‌آید و من چقدر دوست دارم بقیع را ببینم و چقدر دلم می‌خواهد مدینه را بغل کنم و سرش را بگذارم روی شانه‌هایم!».

(پرستو در قاف، قزوین)

انگیزه و نیت افراد از ثبت خاطرات و تجربه‌های سفر متفاوت است. برخی سفرنامه‌نویسان در پی یافتن خود هستند (خودشناسی) و برخی دیگر در پی شناخت جهان هستند. «ناصر خسرو» به دنبال خوابی دگرگون‌کننده راهی سفر حج می‌شود تا خودش را بشناسد؛ اما «برادران امیدوار» برای پژوهش دربارهٔ اقوام بدوی جهان، به سفری ده ساله روی می‌آورند.

سفرنامه‌ها را می‌توان از جهات مختلف تقسیم‌بندی کرد. یکی از این تقسیم‌بندی‌ها به شکل زیر است:

الف) سفرنامه واقعی:

این سفرها، شرح مسافرت‌هایی است که به‌راستی انجام شده است و نویسنده شرح دیده‌ها، شنیده‌ها، خاطره‌ها و رخدادهایی را که در جریان سفر با آنها مواجه شده، به رشتهٔ تحریر در آورده است. مانند: سفرنامهٔ برزویه طبیب که سفری به هند داشت و مأمور نوشتن کلیله و دمنه شده بود. همچنین می‌توان به سفرنامهٔ ناصر خسرو قبادیانی و سفرنامهٔ ابن بطوطه و سفرنامهٔ مارکو پولو جهانگرد ایتالیایی نیز اشاره نمود.

به نمونه‌های زیر توجه کنید:

نمونه ۱: سفرنامهٔ مارکو پولو

(در سفرنامهٔ مارکو پولو، صفحاتی دربارهٔ ایران به چشم می‌خورد که نکات اجتماعی قابل توجهی را روشن می‌کند.) او در توصیف کرمان، می‌نویسد: «این سرزمین مرکز سنگ‌های قیمتی مانند فیروزه و سنگ‌های صنعتی مانند آهن است.» او به نقش فعال زنان در تولید پارچه‌های ابریشمی و دیگر صنایع دستی اشاره می‌کند و شهر یزد را بزرگ، زیبا و پررونق توصیف می‌کند و از پارچه‌های ابریشمی موسوم به «یزدی» که نزد بازرگانان شهرت فراوانی داشته است یاد می‌کند. او وسعت منطقهٔ یزد را «هفت روز راه‌پیمایی» دانسته و وجود نخلستان‌های زیاد و وجود پرندگانمانند بلدرچین و کبک برایش بسیار جالب بوده است.

(ایران در سفرنامهٔ مارکو پولو)

نمونه ۲ جمعه ۷۳/۴/۱۰

تاشکند شهر بزرگی است؛ بزرگ‌ترین شهر آسیای مرکزی. شهر تمیز و زیبایی است اما بسیار گسترده و پراکنده و از جهت وسعت نزدیک به تهران است.

شهر، دیر آشنا به نظر می‌رسد هم به جهت مردمش و هم گستردگی اش. جاهای دیدنی زیادی دارد و بسیار پردرخت است؛ درخت‌های کهن. تاشکند، مطابق ناحیه چاچ قدیم است که یکی از بزرگترین شهرهای ماورای سیحون بوده و در قدیم به وفور گل، نظافت و لطافت، مشهور بوده است. می‌گویند شهر چاچ، اکنون یکی از محلات تاشکند شده است.

(سفرنامه آسیای مرکزی، محمدی نیکو)

ب) سفرنامه خیالی :

در این سفرها، نویسنده سفری واقعی انجام نمی‌دهد بلکه نظر و دیدگاه خود را در قالب سفرنامه می‌آورد و نویسنده واقعیت‌ها و ناهسامانی‌های جامعه را مورد نقد و بررسی قرار می‌دهد به گونه‌ای که اگر کسی بخواهد سفری واقعی در آن مکان داشته باشد با همان موارد برخورد می‌کند و با چشم خود می‌بیند مانند «سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ» نوشته زین العابدین مراغه‌ای که در اواخر دوره قاجار نوشته شده است.

ب) سفرنامه‌های تمثیلی :

سفرهایی است غیر واقعی که نویسنده در حالتی رؤیایی به جهانی دیگر سفر می‌کند. در این سفرها نویسنده پیام خود را در قالب قصه و تمثیل بیان می‌کند پس درحقیقت گزارشی است از تفکر و تخیل نویسنده درباره امری باطنی و اعتقادی که نویسنده با استفاده از قوه وهم و خیال و با الهام از مشاهدات قلبی خویش به نگارش می‌پردازد؛ مانند سفرنامه «مصباح الارواح» که نویسنده در عالم رؤیا همراه پیری به زیارت خانه خدا و شهرهای دیگر سفر کرده، طی آن، مراحل کمال انسان را ذکر می‌نماید.

سفرنامه تمثیلی و عرفانی دیگر از شاعر نامی، عطار نیشابوری است که موضوع آن، گفت‌وگوی پرندگان برای طی طریق به سوی پرنده‌ای افسانه‌ای به نام سیمرخ و رسیدن به اوست. در این داستان، پرندگان نماد سالکان راه حق و سیمرخ نماد خداوند و هدهد، نمادی از پیر و مرشد است.

همچنین می‌توان به کتاب معروف «کمدی الهی» که سفرنامه‌ای تمثیلی - مذهبی درباره دوزخ، برزخ و بهشت است، اشاره کرد.

معرفی چند سفرنامه

سفرنامه ناصر خسرو و سفرنامه ابن بطوطه چون دو نگین درخشان در این قالب می‌درخشند و دانش‌آموزان در کتاب‌های درسی با آنها آشنا شده‌اند.

در میان آثار متأخر می‌توان به سفرنامه‌های دکتر «محمدعلی اسلامی ندوشن» از جمله «آزادی مجسمه»، «صفر سیمغ» و «کارنامه سفر چین» اشاره کرد. دکتر اسلامی ندوشن با نثری دلنشین و سنجیده، بسیار زیبا و دقیق به توصیف مکان‌ها و اشخاص می‌پردازد.

دکتر «باستانی پاریزی» نیز در «از پاریز تا پاریس» با نثری صمیمی، دیده‌ها و شنیده‌های خود را از سفر به چندین کشور ثبت کرده است.

سفرنامه‌های حج که از رایج‌ترین سفرنامه‌ها در ادب فارسی است از ناصر خسرو و ابن بطوطه آغاز شده و تا سفرنامه‌های جلال آل احمد و علی شریعتی ادامه یافته است. آل احمد در «خسی در میقات» به توصیف مشاهدات و مناظر می‌پردازد. او تردیدها و دغدغه‌های روشن‌فکری هویت‌اندیش را بیان می‌کند. دکتر علی شریعتی نیز با نثری ادبی و سرشار از آرایه‌ها بیشتر در پی رمزگشایی از مناسک حج است.

از نمونه‌های امروزی‌تر سفرنامه حج، کتاب «با عزیزجان در عزیزیه» از «فرخنده آقایی» است؛ روایتی خواندنی از سفر حج که با گفت‌وگوهای او با همسفرش (عزیز خانم) همراه شده است. خانم آقایی با نگاهی زنانه، به جنبه‌های گوناگونی از مناسک معنوی می‌پردازد.



آگاهی‌های فرا متنی

طراحی آموزشی

موضوع : شعرگردانی

هدف : تقویت مهارت تفسیر و درک و دریافت

روش : اسکمپر

ارزشیابی : تولید متن بر پایه شعرگردانی

مقدمه

روش «اسکمپر» برای یافتن نگاه و طرح خلاقانه بسیار مناسب است. واژه «اسکمپر» را به شیوه «سرواژه‌سازی» ساخته‌اند :

| | |
|-------------------|--------------------------|
| substitute | جانشین کردن |
| combine | ترکیب کردن |
| adapt | اقتباس، تطبیق |
| Modify (magnify) | تغییر دادن یا بزرگ‌نمایی |
| Put to other uses | کاربردهای دیگر |
| eliminate | حذف یا کاهش |
| rearrangement | بازآرایی |

مراحل روش تدریس «اسکمپرس»

در شعرگردانی از یک یا چند مرحله این روش می‌توان استفاده کرد :

۱ دانش‌آموزان باید بر شعر درنگ کنند و بگذارند قوی‌ترین حسی که در آنها برانگیخته می‌شود به درونشان رخنه کند. اگر برای دانش‌آموزان چنین حس و برداشتی پیش نیامد، این پرسش را از خود بپرسد : «چه مفهوم مهمی در این شعر وجود دارد؟»

۲ در مرحله دوم با استفاده از هفت دستور این روش، باید حس یا برداشت خود را تقویت کنند، بزرگ‌نمایی کنند، با شرایط امروزی تطبیق یا سازگاری کنند، ترکیب کنند، جانشین کنند، کاهش دهند و... آنگاه برای هر کدام، یک یا چند پرسش کمکی مطرح کنند؛ مثلاً در «بزرگ‌نمایی» می‌توان این پرسش‌ها را مطرح کرد :

– کدام بخش شعر را می‌توان برجسته کرد؟

– کدام بخش شعر را می‌توان به صورت اغراق‌آمیز بیان کرد؟

– آیا می‌توان بسامد و تکرار آن را افزایش داد؟

۳ در مرحله نهایی با استفاده از یک یا چند مورد از دستورهای هفت‌گانه اسکمپرس شروع به نوشتن کنند.

نکات مهم در شعرگردانی

الف) در شعرگردانی، معلم هیچ تفسیر و شرحی از شعر ارائه ندهد تا دانش‌آموزان بدون پیش‌داوری، تفسیری را که در ذهنشان نقش می‌بندد، روی کاغذ ثبت کنند.

ب) دانش‌آموزان نباید تلاش کنند مصادیق مشابه هم‌کلاسی‌های خود را بیابند زیرا شعرگردانی، تمرینی برای ابراز نظرات شخصی و احساسات درونی است.

درس ششم

کاهش محتوا: خلاصه‌نویسی

لبخند تو خلاصه خوبی هاست

«قیصر امین پور»

نماینه درس ششم

عنوان : کاهش محتوا (خلاصه‌نویسی)

محتوا : آموزش خلاصه‌نویسی به عنوان روش کاهش محتوای نوشته

حکایت‌نگاری

بازنویسی حکایتی از گلستان
سعدی با رعایت اصول
بازنویسی

کارگاه نوشتن

تعیین و تشخیص روش
خلاصه‌نویسی متن
خلاصه کردن نوشته با انتخاب
یکی از دو روش پیشنهادی
ارزیابی نوشته‌ها بر اساس
سنجدهای درس

متن و تصویر

آموزش کاهش محتوا با کوتاه
کردن جملات و عبارات
دو روش خلاصه نویسی :
۱ خلاصه‌نویسی وابسته به
متن
۲ خلاصه نویسی آزاد
کاربرد نمودار، جدول و نقشه
مفهومی در خلاصه‌نویسی

اهداف درس :

- شناخت روش‌های کاهش محتوای نوشته
- آشنایی با روش‌های خلاصه‌نویسی
- تشخیص معانی و مفاهیم اصلی نوشته
- توانایی ایجاد انسجام بین جملات و بندهای نوشته
- آشنایی با ساده‌نویسی و ایجاز
- توانایی خلاصه کردن متن با زبان و روش نویسنده
- توانایی خلاصه کردن متن با زبان و روش خود
- بهره‌گیری از جدول‌ها و نمودارها در خلاصه کردن مطلب
- بازآموزی اصول بازنویسی

روش‌های تدریس

روش کاج

نام این روش به شیوهٔ سرواژه‌سازی و از سه واژهٔ «کاستن، افزودن و جالب بودن» ساخته شده است. از مزایای این روش، پرورش «ذهن چند بُعدی» و فاصله گرفتن از «ذهن با مسیر خطی» است.

مراحل روش تدریس کاج

۱ **صامت خوانی:** متنی را که برای خلاصه‌نویسی انتخاب شده، با دقت می‌خوانیم تا به هدف و مضمون اصلی نوشته تسلط پیدا کنیم.

۲ **کاستن:** محتوای نوشته را کاهش می‌دهیم. این حذف و کاهش نباید باعث تغییر معنا و مفهوم اصلی متن شود. بهتر است برخی جملات و عبارات توضیحی را که برای تفهیم بهتر مطالب ذکر شده‌اند، حذف کنیم؛ مواردی مانند مترادف‌ها، آرایه‌های ادبی، ضرب‌المثل‌ها و ...

۳ **افزودن:** ممکن است با حذف بخش‌هایی از جملات و بندها، انسجام و پیوند نوشته از بین برود. بنابراین، عبارات کوتاه و حروف پیوند را به متن اضافه می‌کنیم تا نوشته، یک‌دست و یکسان و ساختار بندها حفظ شود.

۴ **جالب بودن (برجسته کردن):** پس از خوانش هر بند، به این پرسش پاسخ می‌دهیم که این بند چه مفهوم و معنایی را بیان می‌کند. در پاسخ به این پرسش از اصطلاحاتی چون «مهمترین، بهترین، جالب‌ترین و ...» استفاده می‌کنیم و پاسخ‌ها را در متن می‌گنجانیم. این مرحله بیشتر در خلاصه‌نویسی آزاد کاربرد دارد.

۵ بازخوانی، ویرایش و تولید متن نهایی: در گام پایانی، متن را بازخوانی می‌کنیم و به ویرایش

متن می‌پردازیم.

به نمونه زیر توجه کنید:

نمونه: «فال که انواع گونه‌گون آن، از کف بینی و شانه بینی و جگر بینی و ماسه بندی و تعبیر خواب از بقایای آیین شَمنان به نظر می‌آید، از قدیم در مشرق رواج داشته است و عامه مردم در مواقع دودلی و نگرانی و درماندگی به راهنمایی کاهنان و ساحران دست به کار می‌زده‌اند، و نشان می‌دهد که چگونه در همه جا در هنگام درماندگی، مردم به غیب و کسانی که خود را واقف اسرار آن نشان می‌دهند، پناه می‌برند و می‌کوشند که مگر بر تاریکی حیرت و بیچارگی خویش دریچه‌ای از غیب بگشایند و از سرنوشت و آینده خویش خبر گیرند.

کلمه فال که در فارسی شگون هم گفته می‌شود، عربی است و بر شگون خوب و شگون بد هر دو اطلاق می‌شود. چنان که فال نیک و فال فیروز و فال سعد و فال فرخ در مقابل فال بد و فال شوم و فال زشت و فال نامبارک به کار می‌رود. از جهت کلی فال عبارت است از آنکه سرنوشت انسان را یا واقعه‌ای را که روی دادنی است، از روی نشانه‌هایی که آنها را از امور غیبی می‌شمارند پیش بینی و پیشگویی کنند. در هر حال نزد عرب، فال نشانه‌ای است که تأویل آن با خواست و کام انسان موافق باشد و آنچه خلاف آن باشد، طیره گفته می‌شود. در واقع این فالی را که از نام و رنگ و آواز مرغان می‌زده‌اند - خواه خوب و خواه بد - زجر و عیافه می‌نامیده‌اند، اما فال بد را طیره می‌خوانده‌اند.» (زرین کوب، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، مقاله فال و استخاره، صص ۲۱۵ و ۲۷۳)

اگر به جملات اصلی هر بند توجه کنیم، درمی‌یابیم که در بند اول از انواع فال و علت روی آوردن مردم به آن گفته می‌شود و در بند دوم از کلمه فال در نزد اعراب. پس از کشف این قضیه، از خود می‌پرسیم: «هر بند چه چیزی را می‌خواهد به ما بگوید؟» و با زبان خود، آنچه از موضوع فهمیده‌ایم را یادداشت می‌کنیم. خلاصه نمونه: «انواع فال شامل: کف بینی، شانه بینی، جگر بینی، ماسه بندی و تعبیر خواب از بقایای آیین شَمنان است. از قدیم مردم در هنگام گرفتاری و درماندگی به سراغ کسانی می‌رفتند که فکر می‌کردند از اسرار غیب آگاهانند تا از سرنوشت‌شان مطلع شوند.

فال کلمه‌ای عربی و معادل شگون فارسی است و انواع نیک و بد دارد. فال گرفتن یعنی سرنوشت خوب یا بد را از طریق نشانه‌هایی غیبی حدس زدن. «فال» را موافق و «طیره» را مخالف میل انسان می‌دانستند. فالی را هم که از آواز پرندگان می‌زدند، زجر و عیافه می‌گفتند.»

جستاری در متن

خلاصه‌نویسی تمرینی برای آموختن ساده‌نویسی و ایجاز است. ایجاز یعنی کوتاه گفتن و سخن کوتاه کردن. به عبارت دیگر، بیان مقصود در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت. ایجاز در خلاصه‌نویسی کاربردی فراوان دارد و بهره‌گیری از آن در خلاصه‌نویسی به روش آزاد پیشنهاد می‌شود.

معلم می‌تواند در جهت تقویت این مهارت، نمونه‌هایی از ایجاز و کوتاه‌نویسی را در شعر و ادب فارسی، به هنگام تدریس بیان کند. برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از:

- در شاهنامه، از زبان «ایرج» و خطاب به «تور» چنین آمده است: «جهان خواستی، یافتی، خون مریز».
- در این مصراع، سه جمله کامل، در قالب پنج واژه، بیان شده است.
- سعدی نیز در قرن هفتم، باروی آوردن به ایجاز، ادب فارسی را به خلاصه‌گویی سوق داد. حکایت‌های کوتاه گلستان سعدی، نمونه‌های کم‌نظیری از ایجاز در نثر است.
- نمونه‌ای دیگر از ایجاز در نثر از تاریخ جهان‌گشا، در توصیف وحشی‌گری مغولان از زبان یکی از اهالی بخارا: «حال بخارا از او پرسیدند. گفت: آمدند و کردند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند!»
- نمونه‌های زیبای ایجاز و خلاصه‌نویسی در ادبیات عرفانی نیز بسیار است. معلم می‌تواند دانش‌آموزان را به نمونه‌های این حکایات که در بخش «گنج حکمت» کتاب فارسی گنجانده شده است، ارجاع دهد.

آگاهی‌های فرا متنی

حکایت نگاری

یکی از اهداف «حکایت‌نگاری» تقویت توانایی نوشتن از راه بازنویسی است. گسترش معانی و مفاهیم موجود در حکایات با حفظ بیکره اصلی متن، از مراحل مهم این شیوه نوشتار است.

در دهه سی شمسی، بازنویسی‌هایی از متون کهن فارسی برای کودکان و نوجوانان صورت گرفت. آثار «زهرایا، مهدی آذریزدی، احسان یارشاطر» آغازی بر بازنویسی متون کهن بود؛ آثاری که الگوی این شیوه نزد آیندگان شد. با بررسی این آثار می‌توان با شیوه‌های گوناگون بازنویسی آشنا شد. معلم می‌تواند با معرفی این آثار، ضمن آموزش اصول بازنویسی به دانش‌آموزان، آنان را با ادبیات، تاریخ و فرهنگ ایرانی و اسلامی آشناتر سازد.

- آقازاده، محترم، ۱۳۹۱. راهنمای روش‌های نوین تدریس، تهران نشر آبیژ.
- آقایی فیشانی، تیمور، ۱۳۸۹. خلاقیت و نوآوری با نگرش سیستمی، تهران، کتاب طلایی جامع؛ چاپ دوم.
- احمدزاده و دیگران، روش‌ها و فنون تدریس، انتشارات پیام نور.
- اس. اسبوران، الکس، ۱۳۷۵. پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه قاسم‌زاده، حسن، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ سوم.
- اسکولز، رابرت، ۱۳۷۷. عناصر داستان، ترجمه طاهری، فرزانه، تهران، نشر مرکز، چاپ اول.
- اکبری شلدره، فریدون و همکاران، ۱۳۹۴. آموزش مهارت‌های نوشتاری (نگارش و انشا)، کتاب درسی پایه نهم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- اکبری شلدره، فریدون و همکاران ۱۳۹۴. فارسی پایه هشتم (ویژه مدارس استعدادهای درخشان)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- اکبری شلدره، فریدون و قاسم‌پور مقدم، حسین و علی‌زاده، فاطمه صغری، ۱۳۸۸. روش‌های نوین یاددهی - یادگیری و کاربرد آنها در آموزش، تهران، انتشارات فرتاب.
- اینگر منش، رندی و اکونومی، پیتر، ۱۳۹۲. داستان‌نویسی، ترجمه کاظمی‌منش، سارا، آوند دانش.
- براهنی، رضا، ۱۳۶۸. قصه‌نویسی، تهران، انتشارات البرز، چاپ چهارم.
- بوسترام، رابرت، ۱۳۹۰. رهیافتی منسجم به پرورش تفکر خلاق و انتقادی، ترجمه خیام‌آور، مجید و آرمنده، محمد، انتشارات مدرسه، تهران.
- پیشاب، لئونارد، ۱۳۸۲. درس‌هایی درباره داستان‌نویسی، ترجمه سلیمانی، محسن، تهران، انتشارات سوره، چاپ سوم.
- چهل‌تن، امیرحسین و فریاد، فریدون، ۱۳۸۰. ما نیز مردمی هستیم، تهران.
- حسینی‌نژاد، حسین و همکاران، ۱۳۸۹. کتاب نگارش، انتشارات لوح زرین.
- خورشیدی، عباس، ۱۳۸۱. روش‌ها و فنون تدریس، تهران، نشر یسطرون.
- دبیر سیاقی، محمد، ره‌آورد سفر (گزیده سفرنامه ناصر خسرو).
- دلتون، جودی، ۱۳۹۰. بیست و هشت اشتباه نویسندگان، ترجمه سلیمانی، محسن، تهران، انتشارات سوره مهر.
- دوبونو، ادوارد، ۱۳۸۹. ایده خلاق، ترجمه آشنا قاسمی، بنفشه، تهران، نشر ایران بال.

- دولت آبادی، محمود، ۱۳۵۸. جای خالی سلوچ، تهران، انتشارات آگاه.
- روزبه، محمدرضا، ۱۳۸۷. ادبیات معاصر ایران، تهران، نشر روزگار.
- ریکو، گابریله، ال، ۱۳۹۱. نوشتن خلاق، ترجمه گروه ترجمه کارگاه نوشتن خلاق برلن، تهران، نشر آمه، چاپ دوم.
- ساراماگو، ژوزه، ۱۳۸۹. کوری، ترجمه مشیری، مینو، تهران، نشر علم، تهران.
- سیگل، دانیل جی، ۱۳۹۰. چشم ذهن، ترجمه دانایی، فروغ، تهران، نشر ذهن آویز، چاپ دوم.
- شاو، رن، ۱۳۹۲. هزار و یک پیشنهاد درخشان برای نویسندگی، ترجمه مریم جلالی، تهران، نشر افراز.
- شعبانی، حسن؛ ۱۳۸۶. مهارت‌های آموزشی و پرورشی، تهران، انتشارات سمت.
- صادقی‌المیری، منصور، ۱۳۸۶. خلاقیت رویکردی سیستمی، تهران، انتشارات امام حسین علیه السلام.
- عابدی، داریوش، ۱۳۷۸. پُلی به سوی داستان‌نویسی.
- فرشادمهر، فریبا، ۱۳۸۷. طنزآوران امروز ایران (۱)، (مجموعه آثار منوچهر احترامی)، تهران، سوره مهر.
- فورسایت، پاتریک، ۱۳۸۹. مهارت نوشتن گزارش و طرح، ترجمه علی‌رضا جواهری، تهران، نشر عارف.
- قاسم‌پورمقدم حسین و همکاران، ۱۳۹۲. راهنمای معلم آموزش مهارت‌های نوشتاری، پایه هفتم و هشتم، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.
- قاسم‌پورمقدم حسین و همکاران، ۱۳۹۲. راهنمای معلم نگارش (۱)، تهران، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران.

- کمالی، رودابه و روحانی، مریم، ۱۳۷۹. کارگاه انشا، تهران انتشارات قدیانی.
- کیانی، منوچهر، ۱۳۸۸. قدرت خلاقیت در حل مسائل طوفان فکر و سایر تکنیک‌ها، تهران، نشر مرندیز، چاپ اول.
- محمدی نیکو، محمدرضا، ۱۳۸۰. سفرنامه آسیای مرکزی، تهران، نشر سروش، چاپ اول.
- مرتضوی زاده، حشمت‌الله، ۱۳۹۲. راهنمای تدریس، تهران، نشر عابد، چاپ پنجم.
- میراحمدی، مریم، زمستان ۱۳۶۷. ایران در سفرنامه مارکوپولو، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی (مشهد)، شماره ۱۱.
- میرزا آقایی، حمید، مرداد ۱۳۸۲. تکنیک خلاقیت شش کلاه تفکر (مقاله)، روزنامه اعتماد، شماره ۳۴۲.
- میرصادقی، جمال، ۱۳۸۵. عناصر داستان، تهران، انتشارات سخن، چاپ اول.
- میرعابدینی، حسن، ۱۳۸۷. صد سال داستان نویسی در ایران.
- میرکیانی، مهدی، ۱۳۹۴. بیابید داستان بنویسیم، تهران، نشر طلایی، چاپ اول.
- نجفی، ابوالحسن، ۱۳۷۰. غلط بنویسیم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- نجفی یازوکی، معصومه، ۱۳۹۴. چگونه بنویسیم؟ از خواندن تا نوشتن، تهران، انتشارات مدرسه.
- همینگوی، ارنست، وداع با اسلحه، ترجمه دریابندری، نجف، تهران، انتشارات نیلوفر.
- ووجک، تام، ۱۳۸۱. تفکر خلاق، ترجمه پزشک پور، مهین دخت، تهران، نشر ساز و کار.



